

اسلام و جهانی سازی رفتارهای حمایتگرانه در مقابل تهدیدهای جهانی شدن

حمیدرضا آیت اللهی

جهانی شدن فرآیندی کلان است که در یک نظام یکپارچه، تمامی نظام های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی جوامع را تابع خود می کند. در این جریان کلان جهانی، دیگر دغدغه های فردی جایی نمی یابد. هرگونه جریانی که نتواند پابپای جریان جهانی شدن قدم بردارد به کناری افکنده خواهد شد و نظام های جهانی شده نیز ناگزیر از حذف آن خواهند بود. رقابت پر شتاب جوامع برای یافتن موقعیتی مناسب در فرآیند جهانی شدن آنها را وادار می دارد که صرفاً در بهبود شرایط کلی جامعه بیندیشند و در نتیجه نمی توانند منتظر کسانی که از این قافله عقب مانده اند باشند. این مهم ترین تهدید جهانی شدن برای دغدغه های فردی انسانهای بسیاری است که یا از بسیاری ناتوانی ها رنج می برند یا در این مسیر نتوانسته اند جایگاهی مناسب پیدا کنند. این خشونت ذاتی جهانی شدن امکان اقدامی را برای اقشار آسیب پذیر فراهم نمی سازد.

اما در صورتی که فارغ از فرآیند جهانی شدن اراده های انسانهای دلسوز، تک تک، اقدامی برای رفع این فرآیند آسیب زا کنند در آن صورت می توان امید داشت که نگرانی های انسانهای بسیاری که در زیر چرخ جهانی شدن له می شوند برطرف شده و راه نجاتی برای آنها باشد. بدین جهت است که نیکوکاران دلسوز باید برای این نگرانی بشری اندیشیده و اقدامهای سازنده ای انجام دهند. بدیهی است جریان جهانی شدن فی نفسه اقتضای چنین امری را نمی نماید بلکه مانع آن خواهد بود. هرگونه راه حلی برای حل این مشکل بشری نمی تواند از دل سیاستهای کلی جوامع درآید چرا که این سیاستها ناگزیر در چنبره فرآیند جهانی شدن دست بسته خواهند بود. تنها راه برون رفت از این وضعیت اقدامات فردی نیکوکاران برای حل مشکلات فردی نیازمندان است و نمی توان امیدی به راه حلی دیگر داشت. در اینجا اراده های انسانی باید به تلاش برخیزند تا رفتارهای حمایتگرانه از تک تک افرادی که در این مسیر بیشترین ضربه را می خورند داشته باشند.

چون این اقدامات آگاهانه می تواند در جوامع تاثیر جدی داشته باشد این افراد می توانند با همبستگی بین فعالیتهای خود (که در عین حال فردی نیز هست) جریانی اجتماعی را برای این منظور بوجود آورند و با همبستگی بین این اراده های نیک می توان جریانی جهانی را برای برطرف کردن این معضل بشری ایجاد نمود. در نتیجه به جهانی سازی اندیشه های حمایتگرانه برخیزند و همبستگی بین نیک اندیشان جهانی ایجاد کنند.

تاریخ نشان داده است بیشترین انگیزه برای رفتارهای حمایتگرانه از میان ادیان بوده است و یکی از مهم ترین وظایف دینی افراد توجه به این رفتارها بوده است. در این میان آموزه های اسلامی بسیاری در این زمینه وجود دارد بگونه ای که انجام این وظیفه در بسیاری موارد در قبال سایر وظایف دینی، مهم ترین اهمیت را یافته است. در آموزه های اسلامی هر جا که از ایمان مومنان صحبت می شود دو شاخص عمده آن اقامه نماز و ایتاء زکات است. آیات بسیاری در قرآن بر این امر تاکید می کند. نوع نگرش قرآنی به موضوع پرداختن به نیازمندان و ناتوانان بسیار آموزنده است.

اولا- از کمک به نیازمندان به زکات تعبیر می کند که به معنی پاک شدن فرد است. در این تعبیر، نگاه اسلامی به دادن مال به نیازمند نیست بلکه نگاه به آن است که خود فرد صدقه دهنده از آن نفع می برد و برای نفع اوست که خداوند چنین تاکیدی را نموده است. از آن گذشته می توان از تعبیر زکات چنین برداشت کرد که گویی قبل از اختصاص صدقه مال تمامی انسانها آلودگی داشته است. اصلا قرآن از حق معلومی که در اموال تمامی انسانها مربوط به نیازمندان است سخن می گوید:

وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مِّمَّا كَسَبُوا مِنَ الْمَحْرُومِ

یعنی اگر از لحاظ اقتصادی بنگریم یقینا برخی از اموالی که بی نیازان بدست می آورند از جذب اموال نیازمندان است که با زکات باید این اموال پاک شده و سهم نیازمندان به آنها داده شود. حتی برخی علمای دین اینگونه صدقات را بخشی از مال نیازمندان می دانند که پرداخت آن کار مهمی توسط اغنیا به حساب نمی آید گرچه خداوند از روی کرمش مابازای اخروی برای آن در نظر می گیرد.

ثانیا- خداوند با تمامی عظمت و غنایش خود را سپر بلای نیازمندان می کند و می گوید که این اقدامات به خود خداوند می رسد. دست نیازمند را دست خود تعبیر می کند و تا این حد مقام این اقدامات را بالا می برد.

مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ

ثالثا- آموزه های اسلامی اجازه نمی دهد به هیچ وجه پرداخت صدقات موجب منت و یا اذیت کسی که به او صدقه داده می شود بگردد. و در صورت چنین امری آن را باعث ابطال صدقه می داند.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى

این امر نشان می دهد اقدامات حمایتگرانه وظیفه انسانی و الهی افراد است و نمی توان برای آن حسابی همچون حساب سایر امور زندگی اقتصادی داشت و با ملاکهای کلان اقتصادی قابل ارزیابی نیست.

رابعا- هرگونه بی توجهی نسبت به این وظیفه انسانی و شرعی در اسلام بشدت مذموم تلقی شده است و بی دقتی در پیگیری رفتارهای حمایتگرانه ایمان انسان را منتفی می کند.

ما آمن بی من بات شعبان و جاره طای

اگر کسی شب هنگام سرش را سیر بر بالین بگذارد ولی همسایه اش گرسنه باشد به من ایمان نیاورده است.

خامسا- درست است که حمیت انسانی و بزرگواری نوع انسان اقتضا می کند که انسان اقدامات حمایتگرانه داشته باشد ولی آموزه های اسلامی بیشترین تشویق را برای این امر اخلاقی می کند و گذشته از وظیفه انسانی پاداش های بسیار دنیوی و اخروی برای آن در نظر می گیرد تا این وظیفه حداکثر اقدام را پیدا کند.

إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّن تَبُورَ

سادسا- رفتار امامان شیعه و بزرگان دین نشان می دهد که برای هرگونه رفتار حمایتگرانه خود به شخصه مباشرت برای حمایت داشته اند. علی علیه السلام می توانستند نیاز نیازمندان را با یک برنامه ریزی حساب شده توسط غلامان و کارگزاران خود انجام دهند ولی در این زمینه خود بشخصه خرما به دهان یتیم می گذاشتند و نگرانی هایش را در جلسه ای که با او داشتند برطرف میگردند و سعی می نمودند لبخند بر لبانش بیاورند. بسیاری از امامان شیعه پس از وفاتشان در حین غسل، دیده می شد که دوشی پینه بسته دارند و آن نشان از تکرار بدوش کشیدن انبانهای نان و رساندن آن به نیازمندان در دردل شب بود. این رفتارها نشان بسیار مهمی برای هرگونه رفتار حمایتگرانه است. در رفتارهای حمایتگرانه تمامی اقدامات باید بگونه ای جهت یابد که حمایتگر چهره به چهره حمایت شده باشد و صرفاً به برطرف کردن دغدغه های اقتصادی حمایت شده نیندیشد که آسیب های روحی که او از این درماندگی پیدا کرده است باید ترمیم عاطفی گردد. به این جهت است که رفتارهای حمایتگرانه نمی تواند در قالب اقدامات کلان حمایتگران قرار گیرد. تجربه نیز نشان داده است موفقیت اینگونه اقدامات کم بوده است.

از امامان شیعه درس می گیریم که حمایتگری ارتباط انسانی فردی است. همانگونه که قبلاً گفته شد اگر بخواهیم جریانی اجتماعی و برنامه ریزی شده برای حمایتگری داشته باشیم یقیناً به صورتهای مختلف ضوابط و چهارچوبهای تحمیلی جهانی شدن اجازه ثمردهی به آن نخواهد داد چرا که جهانی شدن با طرد اراده های جزئی و دغدغه های فردی زنده است و ذاتاً نمی تواند به هرگونه اقدامی در این زمینه اجازه حضور دهد. لذا اقداماتی می تواند موثر واقع شود که تک تک نیکوکاران را برانگیزاند تا به سهم خود اقدامی حمایتگرانه انجام دهند. شاید این موضوع بالاترین ظرفیت کلیه ادیان الهی باشد که همواره در طول تاریخ جریان داشته است.

مجموعه آموزه های دینی فوق، زمینه بسیار مهمی را برای انواع رفتارهای حمایتگرانه ایجاد می کند و با این تاکید و نگاه همه جانبه دینی بزرگترین ظرفیت برای تحقق رفتارهای حمایتگرانه ایجاد می شود. از آنجا که مسؤلیتهای فردی دینداران تمامی آنها را برمی انگیزاند که در این زمینه اقدامی انجام دهند ضرورت دارد با ایجاد همبستگی بین اقدامات فردی نیک اندیشان متدین نسبت به بالندگی آن تلاش نمود.

اقدام کمیته امداد امام خمینی در طرح اکرام مثال بسیار ارزشمندی برای جهت دهی به این رفتارهای حمایتگرانه است. این اقدام، بجای برنامه ریزی اجتماعی برای برطرف کردن نیاز نیازمندان سعی نموده است تا دست تک تک نیازمندان را در دست تک تک نیکوکاران بگذارد و خود زمینه را مساعد کند تا این اقدامات حمایتگرانه انجام پذیرد. از همه مهم تر آنکه بر طبق سنت امامان شیعه حمایتگران در اقدامات خود مباشر کارهای خود باشند و نه تنها نیازهای مادی که نیازهای عاطفی و ارتباطی را نیز برطرف سازند. الگوی اسلامی بیشتر ناظر به این نوع رفتارهای حمایتگرانه است. درست است که موسسات خیریه بسیاری سعی در جمع آوری منابع مادی متفاوتی همچون صدقات برای اقدامات خیرخواهانه خود انجام می دهند اما معمولاً چنان در بوروکراسی تحمیلی نظامهای مالی گرفتار می شوند که بسیاری از اقدامات به مرور زمان رنگ و بوی اولیه خود را از دست می دهند و روز به روز از تاثیرشان کاسته می شود. فاصله بسیاری که بین صندوقهای قرض الحسنه اولیه و برخی دیگر از آنها پس از بیست سال در نحوه عملکردشان نشان از این ناتوانی نظامهای مالی برای تاثیرگذاری دارد.

به همین جهت است که تاکید می گردد اگر از تکنیک های برنامه ریزی برای این نوع اقدامات حمایتگرانه شود ناگزیر از شرایطی خواهیم بود که این تکنیک ها بر ما تحمیل خواهند کرد و نمی توان تاثیر لازم را انتظار داشت. این رفتار قهری فناوری های نرم همچون تکنولوژی های مالی است.

نتیجه آن که جهان شدن ذاتا اقدامات حمایتگرانه را پس خواهد زد و یا آنها را کم اثر خواهد نمود. لذا در این مسیر باید صرفاً از مسیر اراده های فردی نیکوکاران به مقابله با اقتضائات جهانی شدن اندیشید. اما این به معنی آن نیست که این اراده ها نمی توانند همبستگی داشته باشند، بلکه با ایجاد انسجام بین این اراده های فردی و یا ایجاد زمینه لازم برای تحقق اقدامات حمایتگرانه شان می توان نهضتی در این مسیر ایجاد نمود. این اقدام چیزی جز جهانی سازی رفتارهای حمایتگرانه در قالب اراده های فردی نیست.

از آنجا که نگرش اسلامی زمینه مناسبی برای این اقدامات حمایتگرانه ایجاد می کند و در این زمینه تقریباً بین تمامی فرقه های اسلامی نیز اتفاق نظر وجود دارد لذا بخوبی می توان جریانی فعال در میان مسلمانان ایجاد نمود تا حمایتگری تحقق یابد و نگرش دینی بتواند پیشتاز این جریان در جهان باشد.